

قزاقستان و رژیم حقوقی دریای خزر

دکترمسعود مطلبی^۱ - محسن نظام آبادی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۴/۲۳ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۵/۲۹

چکیده:

با فروپاشی شوروی و استقلال قزاقستان، از نگاه این کشور قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ مابین شوروی و ایران در مورد دریای خزر، مشروعیت خود را از دست داد و مسئله رژیم حقوقی دریای خزر بوجود آمد.

قزاقستان به عنوان یکی از جمهوری‌های تازه استقلال یافته بدنبال ایجاد یک نظام حقوقی تازه برای دریای خزر می‌باشد که در این مقاله سعی شده است تا دیدگاه‌ها و سیاست‌های قزاقستان در قبال نحوه بهره‌برداری کشورهای ساحلی دریای خزر از این دریا را مورد بررسی قرار داده و همچنین اهداف قزاقستان از پیگیری این سیاست‌ها تبیین گردد.

واژگان کلیدی: رژیم حقوقی دریای خزر، قزاقستان، دریای بسته، کنوانسیون حقوق دریاهای ۱۹۸۲

- استادیار و عضو هیئت علمی، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، آزاد شهر، گلستان، ایران
mailto:Mmtph2006@yahoo.com

- دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران،

ایران

mohsen.nezamabadi@yahoo.com

مقدمه:

از آنجایی که دریای خزر در قلمرو هیچ دولتی قرار نگرفته است و در واقع منطقه‌ای ماورای صلاحیت ملی دولت‌های ساحلی است و رژیم حقوقی آن می‌بایست با توافق دولت‌های مذکور نگاشته شود. (بای، ۱۳۸۴: ۱)

جمهوری قزاقستان به عنوان یکی از جمهوری‌های تازه استقلال یافته از شوروی، بر عدم اعتباری قراردادهای منعقد شده بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی در سال‌های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ و ضرورت تقسیم دریای خزر میان پنج کشور ساحلی آن تاکید دارد. از دیدگاه مقامات این کشور حقوق بین‌الملل دریاها در دریای خزر قابل اقتباس است. (دهقان، ۱۳۸۴: ۱۵۱)

قزاقستان سعی می‌کند به اجرای پروژه‌های خود در دریای خزر بپردازد و از درگیر شدن با روسیه پرهیز کند. قزاقستان دارای یک موافقنامه در ژوئیه ۱۹۹۸ درباره تعیین حدود مرزهای آبی با روسیه است و در چند نوبت نکات اصلی استدلال جمهوری آذربایجان مبنی بر این که همه کشورهای کرانه‌ای باید نسبت به منابع دریای خزر که در محدوده آب‌های سرزمینی و فلات قاره آنها واقع شده است، حق اعمال کنترل انحصاری داشته باشند را مورد پشتیبانی قرار داده است. (موحد، ۱۳۵۷: ۶۲)

با توجه به مطالب گفته شده حال سوال اصلی پژوهش حاضر این است که در واقع سیاست و رویکرد اصلی قزاقستان نسبت به دریای خزر و رژیم حقوقی حاکم بر آن چگونه است و چه اصولی را برای قرار گرفتن در مفاد موافقنامه مابین کشورهای ساحلی دریای خزر مدنظر دارد.

فرضیه مورد استفاده در این مقاله بر این مبنا است که براساس رویکرد قزاقستان، دریای خزر به سبب پیوندی که از راه رودخانه‌های ولگا و اورال و چند کانال، با دریای سیاه و بالتیک پیدا کرده، ویژگی دریاچه و گستره آبی داخلی یکسره بسته را از دست

داده و وضع دریاهای مرتبط با اقیانوس را پیدا کرده است و از همین رو باید مشمول نظام حقوقی حاکم بر دریاها یعنی اصول کنوانسیون حقوق دریاهای ۱۹۸۲ نیویورک قرار گیرد. (کیزاتوف، ۱۳۷۴)

چارچوب نظری:

با توجه به رویکرد قزاقستان و اهدافی که این کشور برای خود در محیط دریای خزر تعریف نموده‌ست، تئوری نئورئالیسم می‌تواند بهتر از سایر تئوری‌ها به تبیین عملکرد این کشور نسبت به رژیم حقوقی دریای خزر بپردازد.

نئورئالیست‌ها به طور کل ضمن اهمیت قائل شدن برای شخصیت رهبران به عنوان عاملی برای تبیین سیاست خارجی و رفتار دولتها، عقیده دارند که این ساختار نظام بین‌الملل است که به عنوان مهمترین عامل، تعیین کننده رفتار دولتها و شاخص‌های سیاست خارجی آنها می‌باشد. با توجه به اینکه از دید نئورئالیست‌ها نظام بین‌الملل فاقد اقتدار مرکزی‌ست و یک نوعی از هرج و مرج و آنا‌رشی بر این نظام حاکم است و نظام بین‌الملل ماهیتی رقابت آمیز پیدا نموده‌ست در نتیجه دولتها وادار می‌گردند تا در این محیط تنها به دنبال منافع خودشان باشند و بیشتر از آنکه به همکاری فکر کنند به نفع شخصی و منافع ملی خود فکر نمایند. از آنجا که دولتها بازیگران خردگرا هستند در نتیجه، استراتژی‌هایی اتخاذ می‌نمایند که منافع آنها را افزایش و زیان آنها را کاهش دهد. با توجه به اینکه از نظر نئورئالیست‌ها بالاترین منافع، حفظ و تضمین بقاء یک کشور است، مسئله بقاء از موضوعات و نگرانی‌های اساسی برای حاکمان کشورها محسوب می‌گردد. از آنجائیکه دولتها در نظام بین‌الملل آنا‌رشیک دیگر دولتها را به عنوان دشمنان بالقوه خود و تهدیدی برای منافع ملی شان می‌دانند و به دنبال منافع خودشان هستند، در نتیجه در صورت همکاری، روی به قلب آورده و عدم پایبندی به مفاد این همکاری می‌آورند.

به طور کلی بر اساس نئورئالیسم بخصوص نئورئالیسم گریکو، دولتها علاقمند به افزایش قدرت و نفوذ خود هستند و برای همین بدنبال همکاری با دیگر کشورها برای افزایش قابلیت‌های خود می‌باشند اما از طرف دیگر همواره نگران این هستند که در فرآیند همکاری دولتهای رقیب به چه میزان از قدرت و منفعت دست پیدا می‌کنند. به همین سبب دولتهایی که بر اساس دیدگاه نئورئالیستی به دنیا نگاه می‌کنند همواره نگران این مسئله می‌باشند که رقیبان آنها در زمینه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، امنیتی و سایر زمینه‌ها، چه مقدار پیشرفت دارند. این نوع از دولتها بدلیل اینکه همواره ترس از این موضوع دارند که بقاء آنها با افزایش قدرت اقتصادی و نظامی و سیاسی رقیبان منطقه‌ای یا فرامنطقه‌ای آنها، به خطر بیفتد، در اغلب موارد، سعی می‌کنند که از عامل زمان حداکثر استفاده را برده و بر میزان توانایی‌های خود افزوده و منافع خود را بیشینه نمایند در نتیجه در هر اقدام همکاری جویانه بدنبال کسب منافع بیشتر برای خود هستند و به هیچ عنوان به کسب سود از این همکاری‌ها توسط رقبا فکر نمی‌کنند.

با توجه به عملکرد کشورهای حاشیه دریای خزر در بحث استفاده از منابع زیرزمینی بخصوص منابع غنی انرژی این دریا، بدون در نظر گرفتن منافع کشورهای دیگر، و با توجه به این مسئله که کشورهای ساحلی در رویکردی که نسبت به رژیم حقوقی حاکم بر دریای خزر دارند با نوعی بدبینی همراه است و در هرکدام از این موضوع وحشت دارند که دیگر دولتها پس از تصویب رژیم حقوقی دریای خزر از جایگاه بهتری در منطقه برخوردار شوند و این موضوع سبب گردد که بر قدرت آنها افزوده شود و باعث تنزل جایگاه آنها گردد، از نظر نویسنده، رویکرد نئورئالیستی می‌تواند بهتر از سایر نظریات دیدگاه قزاقستان را درباره رژیم حقوقی دریای خزر تبیین نماید.

نزدیکی روابط آمریکا و روسیه با کشورهای ساحلی دریای خزر باعث شده که آنها بتوانند بهتر از رویکرد نئورئالیستی خود در قبال مسئله رژیم حقوقی دریای خزر بهره گیرند و به سود بیشتری از این حوزه دسترسی پیدا نمایند.

رژیم حقوقی

به مجموعه قوانین مورد توافق بین دو یا چند کشور در مورد موضوعی خاص به طور کلی رژیم حقوقی حاکم بر آن موضوع خاص گفته می‌شود.

در واقع به نوعی رژیم حقوقی وسیله‌ای برای ایجاد امنیت فکری و عملی دولت‌ها و مردم می‌باشد. ابزاری برای جلوگیری از نزاع و جنگ میان ملت‌ها به شرط آنکه طرفین به مفاد آن رژیم حقوقی و معاهده فی مابین پایبند باشند.

اصل دولت مطهر

اصل دولت مطهر یا دکترین لوح مطهر، ادعاهای کشورهای تازه استقلال یافته حاشیه دریای خزر می‌باشد که به استناد این دکترین، معاهدات منعقد شده بین ایران و شوروی سابق (۱۹۲۱ و ۱۹۴۰) را برای خود لازم‌الاتباع ندانسته و معتقد به پاک بودن لوح خود در قبال این معاهدات هستند.

بر این اساس کشوری که مضمحل می‌گردد، حقوق و تعهدات آن نیز از بین می‌رود. با انحلال آن، حقوق و تعهداتش نیز از میان می‌رود و کشور جانشین براساس قاعده لوح مطهر یا ولایت مطهر و یا لوح سفید، همانند نوزاد بدون تعهد و با آزادی کامل برای انتخاب حقوق و تعهدات بین‌المللی، وارد زیست بین‌المللی می‌شود.

بنابراین، طبق این نظریه، کشور قزاقستان معتقد است که هیچ‌گونه جانشینی وجود ندارد، مگر با پذیرش کشور جانشین در نتیجه قزاقستان بدلیل آنکه هیچ تعهدی مبنی بر به عهده گرفتن تعهدات کشور اتحادیه جماهیر شوروی را نپذیرفته است به طور طبیعی معاهدات منعقد شده مابین ایران و شوروی را در سال‌های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ قبول ندارد و بدنبال ایجاد رژیم حقوقی جدیدی برای حاکم شدن بر دریای خزر می‌باشد.

کنوانسیون حقوق دریا‌های ۱۹۸۲ نیویورک

حقوق دریا از قسمت‌های مهم حقوق بین‌الملل است. کنوانسیون ۱۹۸۲ سند جامع واحدی است در مورد حقوق دریا که موافقت‌نامه ژوئیه ۱۹۹۴ آن را کامل کرده است. مسایل مهمی چون حدود مناطق دریایی، کشتیرانی، منابع دریاها و محیط زیست اکنون به طور تقریبی حل شده‌اند. تقریباً مسایلی که امروزه در ارتباط با امور دریایی بروز می‌نماید- به طور مستقیم یا غیر مستقیم- تحت تاثیر مطالب این کنوانسیون می‌باشد. کنوانسیون نام برده به منزله تدوین، تحکیم، توسعه مترقیانه و تجدید نظر یا اصلاح آگاهانه حقوق دریاهاست. این کنوانسیون را می‌توان- با توجه به جامعیت و فراگیری آن- "قانون اساسی دریا" نامید و همانند یک چتر تمام امور و مسایل دریایی را به زیر سایه خویش درآورده است. کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا، آنچنان که از اسمش بر می‌آید مربوط به دریا می‌باشد. "یکی از ویژگی‌های مناطقی که حقوق دریا در مورد آنها اعمال می‌شود این است که مناطق مزبور به اقیانوس‌های جهانی مرتبط هستند" و به آبهای آزاد دنیا راه دارند.

رژیم حقوقی دریاها و آبراه‌های بین‌المللی

رژیم حقوقی دریاها و آبراه‌های بین‌المللی مجموعه اصول و قواعدی است که بر روابط میان تابعان حقوق بین‌الملل در موضوعات گوناگون دریایی (آبهای داخلی، دریای سرزمینی، منطقه نظارت، منطقه اقتصادی انحصاری، دریای آزاد، اعمال دریاها و نیز دیگر آبراه‌هایی بین‌المللی مانند رودخانه‌ها، تنگه‌ها و کانال‌های بین‌المللی) حاکم است (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۷: ۲۸۸) و بر پایه آن حدود مالکیت کشورهای پیرامون دریا یا آبراه بر منابع سطح، بستر و زیر بستر آن تعیین می‌شود.

دریای بسته

دکترین دریای بسته به معنای آب‌هایی که فقط دول ساحلی در آن از حقوق و تکالیفی

برخوردار باشند در قرن ۱۹ توسط دولت روسیه تزاری مطرح شد. طرح چنین نظریه- ای با انگیزه حفظ امنیت و ثبات مناطق دریایی مجاور این دولت مثل دریا‌های آروف و سیاه بود تا از این راه از ورود کشتی‌های جنگی سایر دول جلوگیری شود. (یزدانی، ۱۳۸۱)

دریا‌های بسته به دریای کوچک داخلی اطلاق می‌شود که توسط دو یا چند کشور احاطه شده و با آبراه باریکی به آب‌های آزاد راه می‌یابد.

اعمال اصول ناظر بر حقوق دریاها

این دیدگاه از سوی قزاقستان مطرح شده است. قزاقستان اعتقاد دارد چون دریای مازندران با کانال ولگادن به دریای آزاد (بالتیک و سیاه) راه دارد، مشمول نظام حقوقی دریا‌های آزاد در کنوانسیون ۱۹۸۲ می‌شود؛ یعنی پس از کشیدن خط مبدا، ۱۲ مایل برای دریای سرزمینی، ۲۴ مایل منطقه مجاور و ۲۰۰ مایل برای دریای سرزمینی، ۲۴ مایل منطقه مجاور و ۲۰۰ مایل نیز برای منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره در نظر گرفته می‌شود. (سایت باشگاه اندیشه)

تاریخچه فعالیت قزاقستان در موضوع رژیم حقوقی دریای خزر

اگر بخواهیم نگاهی به تاریخچه عملکرد قزاقستان در بحث رژیم حقوقی دریای خزر بیندازیم باید به سال ۱۹۹۷ بازگردیم، در این سال این کشور، موافقتنامه‌ای درباره تعیین حدود مرزهای آبی با روسیه امضا کرد و در آخرین بیانیه رهبران روسیه و قزاقستان در سال ۲۰۰۰، دو کشور بر مبنای توافقات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ تا تعیین رژیم حقوقی جدید موافقت نمودند. (خبرگزاری فارس)

سه سال بعد در سال ۲۰۰۳ سه کشور روسیه، قزاقستان و جمهوری آذربایجان، موافقتنامه‌ای سه جانبه را دایره تقسیم دریای خزر را امضا کردند که عملاً ۶۴ درصد از

محیط خزر را در حاکمیت آنها قرار داد. بر اساس این توافق، قزاقستان ۲۷ درصد، روسیه ۱۹ درصد و جمهوری آذربایجان ۱۸ درصد از خزر را متعلق به خود نمودند و از ۳۶ درصد باقی مانده، ۲۳ درصد نصیب ترکمنستان و ۱۳ درصد هم سهم ایران شد. (خبرگزاری مشرق)

پارلمان قزاقستان نیز بلافاصله پیمان سه جانبه میان روسیه، قزاقستان و جمهوری آذربایجان درباره تقسیم شمال دریای مازندران را تصویب کرد و عملاً بخش شمالی دریای خزر تعیین تکلیف شد. در همین سال و در نشست تهران، کنوانسیون زیست محیطی خزر تصویب شد. (سایت باشگاه اندیشه)

سال ۲۰۰۷، نورسلطان نظربایف در دومین اجلاس سران کشورهای حاشیه دریای خزر، رییس جمهور قزاقستان ضمن تشویق کشورهای عضو به دستیابی به توافق بر سر رژیم حقوقی دریای خزر گفت که توافق حقوقی بین ایران و شوروی سابق به تاریخ پیوسته است. (خبرگزاری آفتاب) در همین اجلاس، سند همکاری‌های امنیتی بین کشورهای عضو به تصویب رسید.

سال ۲۰۰۹ و در نشست سران کشورهای حاشیه ساحلی دریای خزر در اکتائو قزاقستان، سه کشور روسیه، قزاقستان و جمهوری آذربایجان بر تقسیم کف دریاچه به نسبت سواحل کشورها و همچنین استفاده مشترک از سطح آب برای کشتیرانی و حمل و نقل تأکید دارند.

نشست بعدی روسای کشورهای ساحلی دریای خزر در سال ۲۰۱۰ در باکو، پایتخت جمهوری آذربایجان، برگزار شد. براساس متن تهیه شده در جلسات کارشناسی، موافقتنامه همکاری‌های امنیتی بین کشورهای ساحلی دریای خزر در سومین اجلاس سران کشورهای ساحلی این دریا که ۱۸ نوامبر ۲۰۱۰ در جمهوری آذربایجان برگزار شد، به امضای روسای جمهور پنج کشور رسید. در این موافقتنامه سران کشورهای ساحلی توافق کردند که همکاری‌های خود را در زمینه تأمین امنیت دریانوردی در این

دریا گسترش دهند. روسای کشورهای ساحلی در باکو همچنین توافق کردند که بررسی‌های کارشناسی لازم برای تعیین عرض جغرافیایی و حدود حق حاکمیت پنج کشور عضو از دریای خزر انجام شود. براساس این تفاهم‌نامه، صید ماهیان خاویاری نیز برای مدت پنج سال ممنوع اعلام شد. (خبرگزاری فارس)

چهارمین اجلاس سران کشورهای ساحلی دریای خزر نیز در سال ۲۰۱۴ در آستاراخان روسیه برگزار شد و ۳ سند همکاری بین این کشورها شامل موافقت‌نامه همکاری در زمینه آب و هواشناسی دریای خزر، موافقت‌نامه هشدار و مبارزه با حوادث غیرمترقبه در دریای خزر و موافقت‌نامه حفاظت از محیط زیست دریای خزر از سوی وزرای مربوطه در حضور نظربایف، پوتین، روحانی، علی‌اف و قربان‌قلی بردی محمداف رییس جمهوری ترکمنستان امضا شد و البته اینکه این اجلاس نیز نتیجه‌ای نداشته است. (خبرگزاری فارس)

دیدگاه‌ها، سیاست‌ها و اهداف قزاقستان برای تعیین رژیم حقوقی دریای خزر

قزاقستان، همانند جمهوری آذربایجان، مدعی بی‌اعتباری و ناکارایی رژیم حقوقی موجود حاکم بر دریای خزر شده و ایجاد یک نظام حقوقی تازه را برای دریای خزر مطرح کرده است و در توجیه این موضع‌گیری می‌گوید:

۱. با دگرگونی بنیادی اوضاع و احوال، اجرای نظام پیشین، منافع کشورهای کرانه‌ای را تأمین نخواهد کرد.

۲. ویژگی‌های دریای مازندران از بسیاری جهات با ویژگی‌های دریاچه‌های کنونی جهان متفاوت است و از دید حقوقی باید برخوردی جدا از مقوله دریاچه‌ها و آبهای داخلی با آن داشت.

۳. این دریا به سبب پیوندی که از راه رودخانه‌های ولگا و اورال و کانال‌هایی چند با دریای سیاه و بالتیک پیدا کرده، ویژگی دریاچه و گستره آبی داخلی یکسره بسته را از دست داده و وضع دریاهای مرتبط با اقیانوس را پیدا کرده است و از همین رو باید مشمول نظام حقوقی حاکم بر دریاها یعنی اصول کنوانسیون حقوق دریاهای ۱۹۸۲ نیویورک قرار گیرد. (کیزاتوف، ۱۳۷۴)

بدین‌سان کشورهای کرانه‌ای می‌توانند قلمرو ملی خود را از راه‌های زیر تعیین کنند.

۱. کشیدن خط مبدأ بر پایه پست‌ترین جزر آب یا خط مبدأ مستقیم

۲. در نظر گرفتن ۱۲ مایل دریایی بعنوان دریای سرزمینی

۳. تعیین ۲۰۰ مایل دریایی برای منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره

۴. ایجاد مرز با کشورهای همسایه و روبه‌رو. (کیزاتوف، ۱۳۷۴)

بر این پایه، هر یک از کشورهای کرانه‌ای، دارای حاکمیت بر دریای سرزمینی، البته با رعایت اصل گذر بی‌زیان برای دیگران است. افزون بر این، هر کشور بر منابع طبیعی منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره حاکمیت دارد و در این زمینه از حقوق زیر برخوردار خواهد بود:

۱. مدیریت، نگهداری، اکتشاف و بهره‌برداری از منابع معدنی مانند نفت و گاز

۲. مدیریت، نگهداری، کاوش و بهره‌برداری از جانداران

۳. بهره‌برداری از منابع انرژی دریایی مانند جریان‌ها، کوران‌ها و موج‌ها و جزر و مدها

و ...

۴. مهار کردن آلودگی و از میان بردن آن

۵. نظارت بر پژوهش‌های علمی برای مقاصد اقتصادی (کیزاتوف، ۱۳۷۴)

به طور کلی، هدف‌های قزاقستان از پیگیری سیاست‌هایش درباره رژیم حقوقی دریای مازندران را می‌توان چنین برشمرد:

۱. دسترسی یافتن به دریای سیاه از راه کانال و ولگا - دن و بیرون رفتن این کشور از جمع کشورهای که به دریای آزاد راه ندارند و از همین رو از نظر اقتصادی در سنجش با دیگر کشورها عقب افتاده‌اند. بر همین پایه، کانال ولگا - دن نیز که از خاک روسیه می‌گذرد بین‌المللی شناخته خواهد شد.

۲. داشتن ارتباط دریایی با ایران

۳. حفظ ذخایر نفتی ساحلی خود تا محدوده اقتصادی ویژه و فلات قاره و بهره‌برداری انحصاری و اختصاصی از منابع نفتی آن

۴. اعمال حاکمیت بر منابع نفتی و جلب نظر شرکت‌های غربی و آمریکایی برای سرمایه‌گذاری و فروش نفت

۵. کشیدن خطوط لوله نفتی در بستر دریای مازندران به اروپا از راه آذربایجان

۶. رهاشدن از تنگنای مالی که در سایه ترانزیت نفت از لوله‌های نفتی روسیه به آن کشور تحمیل می‌شود. (کیزاتوف، ۱۳۷۴)

قزاقستان در عمل، خزر را هم دریاچه و هم دریا دانسته است، دریاچه دانسته تا با تحدید حدود به منابع غنی نفت نزدیک سواحل خود دست یابد. دریا می‌داند تا با این ادعا کانال ولگا- دن به عنوان یک آبراه بین‌المللی عبور و مرور کشتی‌های تجاری و امکان تجارت آسان و ارزان را برای قزاقستان که محصور در خشکی است فراهم آورد. (عبدی، ۱۳۹۱)

قزاقستان رشد اقتصادی اثرگذاری را تجربه کرده است که با افزایش صدور نفت تحقق یافته است. محرک اصلی در رشد اقتصادی این کشور از سرمایه‌گذاری خارجی در صنایع نفت و گاز می‌باشد.

نتیجه‌گیری:

محصور بودن قزاقستان در خشکی و عدم ارتباط به دریای آزاد باعث شده است تا این کشور بمانند ترکمنستان و آذربایجان، بخشی از بقاء خود را در کسب منافع بیشتر در دریای خزر جستجو نمایند.

از آنجاکه یکی از منابع اصلی تامین بودجه و همچنین انجام برنامه‌های اقتصادی قزاقستان، بحث انرژی دریای خزر می‌باشد، طبیعی است که سران کشور قزاقستان نسبت به رژیم حقوقی دریای خزر با دقت خاصی برخورد نمایند.

بر اساس دیدگاه نئورئالیستی قزاقستان، ساختار حاکم بر نظام بین‌الملل به گونه‌ای است که هر کشوری باید با استفاده از راهکارها و استراتژی‌های خاصی به فکر منافع خود باشد. در این نظام آنارشیک قزاقستان با دادن امتیازاتی به آمریکا و روسیه، درصدد است تا از جایگاه جهانی آنها برای رسیدن به مقاصد استراتژیک خود استفاده نماید و بقاء کشور را بیش از پیش تضمین کند.

در مورد رژیم حقوقی دریای خزر، قزاقستان هرچند تمایل به همکاری با دیگر کشورها دارند، اما وقتی در این محیط آنارشیک مشاهده می‌نماید که کشورهای نظیر ترکمنستان، روسیه و آذربایجان بدون در نظر گرفتن تفاهات مبنی بر بهره‌گیری مشترک از منابع زیربستر این دریا، سعی دارند که به منافع مورد نظر خود دست یابند، قزاقستان نیز براساس دیدگاه نئورئالیستی، وقتی این تقلب و عدم پایبندی در همکاری را از این کشورها می‌بیند، سعی دارد تا به منافع خود دست یابد در نتیجه سطح همکاری را کاهش می‌دهد و تنها به همکاری دو جانبه روی می‌آورد آن هم در جهت کسب حداکثر منافع از این دریا.

قزاقستان بر همین اساس شروع به استخراج منابع هیدروکربنی دریای خزر نمود تا با هم بتواند موتور محرکه اقتصادی یعنی کارخانجات خود را به حرکت وا دارد هم از محل فروش آنها، به تامین نیازهای بودجه‌ای خود روی آورد تا بتواند اهداف اقتصادی و همچنین برنامه‌های توسعه کشور را با سرعت بیشتری به پیش برد.

قزاقستان علیرغم اینکه علاقمند است تا در سریعترین زمان ممکن، رژیم حقوقی حاکم بر دریای خزر تعریف و تصویب گردد اما نسبت به سایر کشورهای ساحلی دریای خزر بدبین می‌باشد و از این روی درصدد ست تا حتی الامکان، مفاد این رژیم بر اساس اهداف و منافع ملی کشورش نگاشته گردد و به حداکثر منافع ملی در این مورد دست پیدا کند برای همین این کشور در مواردی که احتمال بدهد سایر کشورها با قراردادن بند یا اصلی در این رژیم می‌تواند به منافع بیشتری نسبت به این کشور دست یابد، از تصویب یا حتی بحث درباره آن خودداری نموده و سعی می‌کند تا نشست بدون نتیجه به پایان برسد.

قزاقستان هنگامی با رژیمی حقوقی حاکم بر دریای خزر موافقت می‌نماید که آن کشور را با این اطمینان همراه سازد که جایگاه منطقه‌اش نسبت به سایر رقبا از وضعیت بهتری برخوردار باشد و اغلب اهداف اقتصادی و سیاسی‌اش را برآورده سازد.

منابع:

کتاب

- آقای، بهمن (۱۳۷۴)، مجموعه مقالات حقوق بین‌الملل دریاها و مسایل ایران، تهران: انتشارات گنج دانش
- ضیائی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۷)، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران: گنج دانش
- کولائی، الهه (۱۳۸۹)، سیاست و حکومت در اوراسیای مرکزی، تهران: انتشارات سمت
- موسی زاده، رضا (۱۳۸۰)، بایسته‌های حقوق بین‌المللی عمومی، تهران: نشر میزان

مقالات

- باوند، هرمیداس (۱۳۷۴)، نگرشی بر رژیم حقوقی دریای خزر نویدها و زنه‌ارها، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، دوره ۲، شماره ۶، صفحه ۶۵۹ - ۶۸۴
- حسن کامران و همکاران (۱۳۸۸)، رژیم حقوقی و تحدید حدود دریای خزر، نشریه جغرافیا، دوره ۷، شماره ۲۰-۲۱، صفحه ۲۵-۴۷
- دبیری، محمدرضا (۱۳۷۷)، رژیم حقوقی دریای خزر به عنوان مبنایی برای صلح و توسعه، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، دوره ۲، شماره ۵، صفحه ۱-۲۰
- ضیائی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۸)، رژیم حقوقی دریای خزر از دیدگاه جانشینی کشورها، مجله پژوهش حقوق عمومی، شماره ۲۶، صفحه ۲۶۱-۲۷۴
- علی اکبر جعفری و ناصر، بهمنی (۱۳۸۹)، رویکرد دولت‌های ساحلی و رژیم حقوقی دریای خزر، مجله علوم سیاسی - دانشگاه باقرالعلوم (ع)، شماره ۵۲، صفحه ۱۴۵-۱۶۹
- کیزاتوف، ویچیلاد (۱۳۷۴)، رژیم حقوقی دریای خزر، ترجمه: بدرالزمان شهبازی، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، دوره ۴، شماره ۱۰
- ناظمی، مهرداد (۱۳۸۰-۱۳۸۱)، دریای خزر و حقوق بین‌الملل گزینه‌های متفاوت با توجه به آرای دیوان بین‌المللی دادگستری، مجله حقوقی، شماره ۲۷ و ۲۸، صفحه ۱۵۱ - ۱۵۲
- ممتاز، جمشید (۱۳۸۰)، رژیم حقوقی دریای خزر: دیدگاه‌های ایران، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۳۵

- ملک زاده، سعید، ۳۰ مهر (۱۳۷۹)، دریاچه مازندران و رژیم حقوقی حاکم بر آن، روزنامه رسالت

سایت

- تقوی اصل، سیدعطا، ۲۶ اردیبهشت (۱۳۸۶)، درباره رژیم حقوقی دریای مازندران (۳)، باشگاه اندیشه

(۱۳۹۳/۱۱/۱۴) <http://www.bashgah.net/fa/content/show/18865>

- تقوی اصل، سیدعطا، ۱ خرداد (۱۳۸۷)، درباره رژیم حقوقی دریای مازندران (۲)، باشگاه اندیشه

(۱۳۹۳/۱۱/۱۴) <http://www.bashgah.net/fa/content/show/19251>

- عبدی، مهدی ۲۸ اسفند (۱۳۹۰)، رژیم حقوقی دریای خزر، حق گستر

(۱۳۹۳/۱۱/۱۴) <http://www.haghgostar.ir/ShowPost.aspx?id=771>

- ملکی، عباس، ۱۱ دی (۱۳۸۸)، کندوکاوی در نظام حقوقی خزر و سهم ایران، سایت مطالعات کاسپین

(۱۳۹۳/۱۱/۱۰) <http://www.caspienstudies.com/articl>

- نیک نامی، ۳ آذر (۱۳۸۱)، رژیم حقوقی دریای خزر و موضع کشورهای ساحلی، معاونت حقوقی و امور مجلس

(۱۳۹۳/۱۱/۱۲) <http://hvm.ir/print.asp?id=4119>

- بخش سیاست خارجی خبرگزاری، ۵مهر(۱۳۹۳) پرونده ۲۳ ساله رژیم حقوقی دریای خزر و چهارمین نشست سران در آستاراخان، سایت خبرگزاری فارس

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=139307020008>

(۱۳۹۳/۹/۱۲)

- گزارش ویژه، ۳ اردیبهشت(۱۳۹۳)، سهم ایران از دریای خزر چقدر است؟ سایت خبرگزاری مشرق

<http://www.mashreghnews.ir/fa/news/303358> (۱۳۹۳/۹/۱۲)

- گزارش ویژه ۲۶مهر(۱۳۸۶)، پایان اجلاس سران حاشیه خزر، سایت آفتاب نیوز

<http://aftabnews.ir/vdcfccdv.w6dt1agiiw.html> (۱۳۹۳/۹/۱۲)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی